

از خدا مهربانی کردن را یاد بگیریم

باورها و اعتقادات ما را باید در رفتار تماشاکرد. صرف اینکه در ذهن ما اعتقادی هست، کافی نیست، باید مردم، دوستان و خانواده، اعتقادات ما را در رفتارمان ببینند. پیامبر اکرم ^(ص) فرمودند: «تخلقوا بأخلاق... خود را به اخلاق های الهی آراسته کنید.» **بهار الانوار ج ۵۸، ص ۱۲۹**، یکی از اخلاق های خدا مهربانی است. همه کتاب های آسمانی با «بسم... الرحمن الرحیم» شروع می شود. در دعای جوشن کبیر خداوند را با هزارویک اسم می خوانیم اما از میان همه این هزارویک نام، «رحمان» و «رحیم» را در ابتدای کارها تکرار می کنیم. همه سوره های قرآن به جز سوره توبه با بسم... الرحمن الرحیم شروع می شود. بیش از صد حدیث درباره فضیلت این آیه داریم. پیغمبر ^(ص) فرمودند: «همه کارهایتان را، مادی و معنوی، کوچک و بزرگ، با این جمله شروع کنید». شهید مطهری بنا بر معنایی از حدیث امام صادق ^(ع) می گوید، رحمان یعنی خداوند همه را دوست دارد و رحیم یعنی برای همیشه با مؤمنان مهربان است، این رحمانیت خداست که همه را دوست دارد. مسلمان و غیرمسلمان، کافر و مؤمن، بندگان او هستند، به همین دلیل برای همه آن ها پیامبر و کتاب فرستاد. آیه ۴۹ سوره حجر بسیار امیدبخش است، وقتی خداوند به پیامبر ^(ص) می فرماید: «اعلام کن، به بندگانم خبر بده **﴿يُنَبِّئُ عِبَادِيَ أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾** همه باید بدانند خدای ما، خدایی مهربان است **﴿حجر/۴۹﴾** می فرماید: از رحمت خدا مأیوس نشوید: **﴿لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ...﴾** **﴿زمر/۵۳﴾**، هرکه از رحمت خدا مأیوس شود، این یک انحراف است. حتی آن هایی که گناه کردند، ببینند که آغوش رحمت خدا باز است. این رحمت خدا به ما یاد می دهد اگر کسی اشتباهی کرد، بگذریم؛ یعنی رحمت خدا را در رفتارهایمان منعکس کنیم. خداوند بندگانش را دوست دارد، ما هم باید مهربانی او با بندگان را در رفتار خود انعکاس دهیم و این خلق الهی را در خود ایجاد کنیم. خدا در قرآن می فرماید: **﴿إِلَّا مَن رَّجِمَ رَجْمًا وَلِذَلِكَ خَلَفَهُمُ﴾** **﴿هود/۱۱۹﴾** یعنی خلقت را براساس رحمت قرار دادم. خداوند همان طور که برای ما تکالیفی تعیین کرده، برای خودش هم تکلیف تعیین کرده است. یکی از تکالیف این است که: **﴿كُتِبَ عَلَي نَفْسِهِ الرِّحْمَةُ﴾**؛ برای خودش لازم کرده است به بندگانش مهر بورزد. **﴿انعام/۱۲﴾** یا هدایت بندگان را بر خودش واجب کرده است. **﴿إِن عَلَيْنَا لَلْهُدَى هِدَايَتِ بَنَدِكَا نِ﴾** بر ما لازم است. **﴿یل/۱۲﴾**.

رزق بندگان را بر خود واجب کرده است. حالا که خدای ما مسلمان ها چنین خدایی است، خودمان هم باهم مهربان باشیم. یک نمازگزار در شبانه روز هفتادبار کلمه رحمت خداوند را بر زبان جاری می کند. باید مهربانی، بخشندگی، رفت و رحمت، را از این حافظه در رفتار بیاوریم، بچه ها به والدینشان مهربانی کنند. خداوند به پیامبر اسلام ^(ص) می فرماید: **﴿وَقُل رَّبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَّبَّنَايَ صَغِيرًا﴾** خدا یا! پدر و مادرم را رحمت کن! به آن ها توجه کن؛ همان گونه که پدر و مادر در کودکی به من رحمت آوردند و محبت کردند. **﴿اسراء/۲۴﴾**

خوب است مهربانی را از خانه شروع کنیم؛ به ویژه همسران با یکدیگر قرآن در سوره روم می فرماید، از آیات و نشانه های خدا این است که از جنس شما برای شما همسری آفرید تا در کنار او آرامش پیدا کنید، **﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾** **﴿روم/۲۱﴾**، یک هنرمندی لازم است تا این هدیه خدا را تا آخر عمر حفظ کنند. هدیه خدا به عروس و داماد، محبت و رحمت است، باید تلاش کنیم تا حفظ شود. حدیث می گوید: زن و شوهر وقتی نگاه عاشقانه به هم می کنند، خدا نگاه رحمت به هردوی آن ها می اندازد. بین مهربانی ما با هم و رحمت خدا به ما، پیوند خورده است. زن و شوهر وقتی نگاه با رحمت به هم می کنند، خدا به هردوی آن ها رحمت خود را جاری می کند، اما اگر نگاه قهرآمیز باشد، نگاه تحقیرآمیز باشد، نگاه تمسخرآمیز باشد، خدا رومی گرداند و رحمتش را قطع می کند. رهنمودهای پیامبر و امامان این را می فرماید. فرمود: به خلق خدا مهر پوز تا مشمول رحمت خدا قرار بگیری. باید از روان شناسان، کارشناسان علوم تربیت، علما و عرفا، راهش را پیدا و این هدیه با ارزش خدا را حفظ کنیم. همین که نفس های ما به هم خورد، جزئی از عبادت است. این ها مظاهر رحمت خداست. وقتی ما به هم مهربانی می کنیم، طرف مقابل می گوید: دین به او می گوید مهربانی کن. این جلوه ای از رحمت خداست.

اشارت

رفتاری که دشمنی می آورد

طیبه اشرفی [|] برخی ویژگی ها و صفات در آدمی هستند که بی آنکه متوجه شو، همچون موریانه فضایل را در او از بین می برند و حتی باعث می شوند دیگران کینه او را به دل بگیرند؛ صفاتی مثل خودپسندی. امام علی ^(ع) می فرمایند: «هیچ تنهایی ای و حشت انگیزتر از خودپسندی نیست.»

امیرالمؤمنین ^(ع) همچنین فرموده اند: «میوه خودپسندی و غرور، دشمنی و کینه توزی است.»

(غررالحکم، ۴۶۶)

ایشان همچنین می فرمایند: «انتقاد کردن آدمی از خود، دلیل استواری خرد و نشانگر فراوانی فضل اوست. خودپسندی آدمی، دلیل بر کمبود او و نشانه سستی خرد اوست.»

(غررالحکم، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷)

امام صادق ^(ع) می فرمایند: «هرکه خودپسند باشد، نابود شود و هرکه خودرأی باشد، نابود شود. عیسی بن مریم ^(ع) گفت: من بیماران را مداوا کردم و به اذن خداوند شفایشان دادم. کور مادرزاد و پیس را به اذن خدا بهبود بخشیدم، مردگان را معالجه و به اذن خدا زنده کردم و درصدد معالجه احمق برآمدم، اما نتوانستم او را اصلاح کنم! عرض شد: ای روح...! احمق کیست؟ فرمود: خودرأی خودپسند؛ کسی که همه فضایل را برای خودش قائل است و عیبی در خود نمی بیند و هرچه حق و حقوق است، برای خودش می داند و برای دیگران در برابر خود، حقی قائل نیست. این همان احمق است که برای درمان او راه چاره ای وجود ندارد.»

(الاختصاص، ۲۲۱)

امام باقر ^(ع) می فرمایند: «ما آن سه خصلت مهلک عبارتند از: فرمان بردن از خصلت سیری ناپذیری، پیروی از هوا و هوس و خودپسندی.»

(الغصال، ۸۴/۱۰)

امام علی ^(ع) نیز درباره عواقب خودپسندی بیان می کنند: «هرکه از نیکویی حالت خود دچار خودپسندی (غرور) شود، از چاره اندیشی درست در کار خود فروماند.»

(غررالحکم، ۸۷۲۵)

امام هادی ^(ع) نیز درباره عواقب خودپسندی فرموده اند: «خودپسندی و غرور، از دانش طلبی بازمی دارد و به تحقیر دیگران و چهل فرامی خواند.»

و از امام رضا ^(ع) است که فرمودند: «مردی از بنی اسرائیل، خداوند تبارک و تعالی را چهل سال عبادت کرد، اما عبادتش پذیرفته نشد. به خودش گفت: عیب کار از خود توست و کسی جز خودت مقصر نیست، پس خدای تبارک و تعالی به او وحی فرمود که این نکوهش (انتقاد) توا از خودت، برتر از عبادت چهل سال بود.»

(فرب الاستاد، ۳۹۲/۱۳۷۱)

مولای متقیان ^(ع) نیز می فرمایند: «اگر می خواهی خوبی هایت درنظر مردم بزرگ آید، نباید در چشم خودت، بزرگ جلوه کن.»

(غررالحکم، ۴۰۹۶)

و از رسول خدا ^(ص) است که در توصیف خردمند فرمودند: «خوبی آنکد دیگران را زیاد می بیند و خوبی های بسیار خود را اندک می شمارد.»

(الغصال، ۴۳۳/۱۷)

شکر

۳شنبه
۲۲ بهمن ۱۳۹۷
شماره: ۱۰۵۲

SHAHIRANEWS.IR

۱۴

↓

مهر

بررسی معنا و چیستی پیروزی باوجود شهادت و شهید دادن‌ها

شهادت عین پیروزی است

گفت‌وگو

آمنه مستقیمی [|] برای آن ها که در اتفاقات و رخدادها ظاهر برایشان اهمیت دارد و با آمار و ارقام است که مَهر پیروزی با شکست بر واقعه‌ای می‌زنند، تعبیر پیروزی برای واقعه کربلا با آن همه مصیبت و شهادت و اسارت، دور از ذهن‌های بسته و زنگ‌زده‌شان است؛ درحالی‌که در منطق عاشورا و هر نهضتی که نیم‌نگاهی به آن نقطه عطف تاریخ دارد، شهادت عین حیات و «بذل جان» تعبیر پیروزی است؛ چنان‌که ما با همین منطق مقابل اسرائیل و آمریکا ایستاده‌ایم. شهید می‌دهیم و ذلت نمی‌پذیریم. در بررسی معنای پیروزی از ورای شهادت‌ها با حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی شریعتی تبار، مدیرگروه انقلاب و تمدن اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و کارشناس مذهبی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

حق طلبی؛ شاه‌بیت قیام حسینی

امام حسین ^(ع) در حماسه عاشورا بر محور حق و حق طلبی تأکید ویژه داشتند و این مهم، هم در سخنان و هم در رفتار ایشان تجلی یافته است. چنان‌که فرمودند: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و افراد و حاکمیت به حق خضوع و خشوع و اعتنا ندارند و از باطل هم اعراض نمی‌کنند؟» شایسته است در چنین شرایطی، انسان مؤمن با همه وجود خود برای مقابله با باطل به میدان بیاید و حتی از جان خود بگذرد، چنان‌که سیدالشهدا ^(ع) فرمودند: «انسان‌های مؤمن باید در راه حق آماده جان‌بازی باشند. من حسین بن علی در این شرایط، مرگ را مایه سعادت و زندگی زیر سلطه ستمگران را جز مایه خسارت و ننگ و ذلت نمی‌دانم.»

ملاک پیروزی

تحلیلگران مسائل تاریخی و جنگ‌ها معیار و ملاک پیروزی و شکست را براساس میزان دستیابی به هدف ارزیابی می‌کنند. برای مثال باید دید طرفین چه هدفی را دنبال می‌کردند و به چه اندازه به آن نزدیک شده‌اند که این ملاک پیروزی است. در قیام کربلا حضرت سیدالشهدا ^(ع) هدف نهایی و اساسی‌شان دفاع از دین خدا و حق بود؛ چون شرایطی پیش آمده بود که از اسلام جز پوسته و ظاهری بر جای نمانده بود، چنان‌که حضرت ^(ع) در مدینه به مروان حکم فرمودند: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ إِذْ قَدْ لَبِثْتُ الْآفَةَ بِرَاعٍ مِّثْلَ يَزِيدٍ»؛ یعنی اگر کسی مثل یزید بر جامعه اسلامی حاکم شود، دیگر چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند و باید فاتحه اسلام را خواند و با آن وداع کرد!

شهادت قبله مؤمنان است

امام حسین ^(ع) قیام کردند که دین در مسیر واقعی خود قرار بگیرد و از نابودی تفکر و تمدن اسلامی جلوگیری شود که البته هزینه‌های سنگینی داشت. اگر مردم کوفه به عهد خود با امام ^(ع) وفا می‌کردند و حکومت اسلامی شکل می‌گرفت، هدف تأمین می‌شد و امام ^(ع) این آمادگی را داشتند و اگر هم نمی‌شد آماده بودند با بذل جان، اسلام را صیانت کنند که دومی رخ داد و آن شهادت‌ها سبب احیای اسلام و بیداری مسلمانان در طول تاریخ شد. لذا هر مسلمانی چه درک کند چه نکند، سر سفره ایثار و قیام حسینی نشسته است؛ پس پیروزی از آن سیدالشهدا ^(ع) بوده است. حتی اگر به ظاهر شهید دادند و شهید شدند و اهل بیتشان به اسارت رفت ... و این ثمره خون سیدالشهدا ^(ع) و عاشورا بوده است.

هر اذان سند پیروزی عاشورا است

نقل شده است در شام، شخصی به امام سجاد ^(ع) رسید و گفت: «بالاخره در این جنگ چه‌کسی پیروز شد؟» (باتوجه به شهادت امام حسین ^(ع) و یارانشان و اسارت اعضای کاروان). امام سجاد ^(ع) فرمودند: «وقت نماز اذان و اقامه بگو؛ آن‌گاه می‌فهمی چه کسی پیروز شده است. چون شما در اذان و اقامه به رسالت جد ما رسول خدا ^(ص) گواهی می‌دهید.» معاویه گفته بود من زمانی آرام می‌گیرم که نام رسول خدا ^(ص) و گواهی به رسالت ایشان را از ماذنه‌ها پایین بیاورم و دفن کنم! اما با قیام عاشورا این نام و شهادت جهانی و فراگیر شد و ثابت کرد خون دادن و ایستادن با جان پای حق، چه آثار و برکاتی دارد.

شمشیر آری، ذلت نه!

انقلاب اسلامی ما از ابتدای شکل‌گیری تا پیروزی و پس از آن استمرار حیات خود، به عاشورا نظر داشته است. پس از آن، دفاع مقدس هشت ساله و نیز تقابل با جبهه باطل و استکبار جهانی و صهیونیسم، بر مبنای این اندیشه قرآنی بوده که تجلی آن در عاشورا رخ داده است؛ امام ^(ع) فرمودند: «این انسان‌های بی‌ریشه، من حسین را بر دو راهی قرار دادند که شهادت و اسارت اهل بیتم و یا ذلت و خواری و تسلیم باطل‌شدن را بپذیرم.» و حضرت فرمودند: «هَيْهَاتَ مِنَّا الذُّلَّةُ». ایشان درس آزادی و عزت‌طلبی را به بشریت دادند و حاضر شدند زیر بار شمشیرها بروند اما زیر بار ذلت و ظلم نه!

ما ملت امام حسینیم

ما به عنوان شیعیانی که بعد از سال‌های سال کماکان خود را در مسیر آرمان‌های امام حسین ^(ع) می‌دانیم و در تاریخ چهل و هفت ساله انقلاب بر همین سبیل و منطق بوده‌ایم، در این جنگ دوازده‌روزه تحمیلی هم با همدلی و انسجام ملت و دفاع جانانه رزمندگان اسلام و رهبری هوشمندانه و قاطع و شجاعانه رهبر حکیم انقلاب، ضربه‌ای متقابل و قوی‌تر را وارد کردیم که به تعبیر ایشان، اسرائیل بیچاره و لیه شد. شهادت فرماندهان و دانشمندان و زنان و کودکان بی‌گناه در این جنگ، همان مظلومیت عاشورا را ترسیم می‌کند. به فرموده سردار حاج قاسم سلیمانی، «ما ملت امام حسین ^(ع) و ملت شهادتیم.»



حجت‌الاسلام والمسلمین شریعتی تبار، انقلاب اسلامی ما از ابتدای شکل‌گیری تا پیروزی و پس از آن استمرار حیات خود، به عاشورا نظر داشته است

دست برتر ما

قرآن می‌فرماید، در تقابل حق و باطل و علی‌رغم همه شهید دادن‌ها اگر آسیب می‌بینید، دشمن شما هم آسیب می‌بیند. اما پیروان حق و حقیقت امتیازی دارند که دشمن ددمنش آن را ندارد: «وَتَرْجُوْنَ مِنَّا... ما لا يَرْجُوْنَ» (نساء، ۱۰۴). ما به خدا امیدواریم و کشته‌هایمان شهیدند و نزد خدا روزی می‌خورند: «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹). یعنی دشمن اتکایش به قدرت مادی و طبیعی است و ما در کنار این قدرت، به قدرت ایمان و شهادت‌طلبی تکیه داریم و هر اتفاقی بیفتد، به تعبیر قرآن «إِخْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» است.

حق از مسیر شهادت می‌گذرد

امید است در کنار همبستگی و انسجام اجتماعی و تقویت نیروی ایمان و اراده و شهادت‌طلبی‌ها، پیروزی ظاهری هم برای جبهه حق به دست آید و شاهد خواری و از بین رفتن دشمن زبون باشیم و البته باید به این مهم ایمان داشته باشیم، همان طوره که قرآن می‌فرماید: «وَلَا يَهْنُوا وَلَا تَخْزُوا وَآتَيْنُمُ الْاَعْلُونَ» (آل عمران، ۱۳۹)، یعنی اگر این روحیه حماسی و حسینی و حق‌طلبی‌را داشته باشید، موفق می‌شوید. هرچند شهید داده‌ایم و این شهادت‌ها بوده است و خواهد بود، نتیجه‌اش شکست باطل و پیروزی حق است.